

الگوی اعتبارسنجی شرکت‌ها

میزان اعتبار شرکت‌ها یکی از موضوعات مهمی است که بانک‌ها، موسسات اعتباری و بسیاری از شرکت‌های تجاری که اقدام به فروش و یا ارائه تسهیلات براساس اعتبار خریدار می‌نمایند با آن مواجه هستند. درجه اعتبار شرکت‌ها نشان دهنده توانایی آنها در پرداخت به موقع بدهی‌ها و تعهداتشان است. در شرایط رونق اقتصادی حتی شرکت‌های ضعیف هم ممکن است دارای فروش، سود و نقدینگی رضایت بخش باشند. اگر شرایط اقتصادی نا مساعد شود ممکن است شرکت‌های قوی هم مواجه با کاهش فروش، سود و نقدینگی شوند لذا شناخت از وضعیت اقتصادی فعلی و آتی به ما کمک خواهد کرد توانایی شرکت‌ها را در پرداخت به موقع تعهدات، بهتر اندازه گیری کنیم. وضعیت صنعتی که شرکت در آن قرار گرفته است نیز عامل موثر دیگری در تعیین درجه اعتبار شرکت است. میزان رشد صنعت، شدت رقابت و تغییرات تکنولوژی آن و اهمیت صنعت در کل اقتصاد از عوامل مهم در شناسایی وضعیت صنعت هستند. در رابطه با وضعیت شرکت، موضوعاتی مثل رشته فعالیت شرکت، سابقه آن، مدیریت شرکت، میزان طرح‌های در دست اجرا، بازدهی شرکت، ساختار سرمایه، میزان و ترکیب دارایی‌ها و بدهی‌ها و وضعیت پرسنلی شرکت از عوامل مهم در تعیین درجه اعتبار شرکت به شمار می‌روند.

الگوهای تعیین کننده درجه اعتبار شرکت‌ها

هدف از تعیین اعتبار مشخص نمودن میزان احتمال وصول مطالبات در زمان موعود است. به عبارت دیگر اعتبار دهنده می‌خواهد بداند که شرکت متقاضی اعتبار تا چه حد قادر است تعهدات خود را در زمان مقرر بپردازد. برای اندازه گیری توان پرداخت به موقع اعتبارات و در نتیجه میزان اعتبار یک شرکت ضروری است که خصوصیات جریان نقدینگی (ورودی و خروجی) یک شرکت شامل میزان وسرعت جریان نقدی، میزان ثبات و نوسان پذیری جریان نقدی مشخص شود. در بررسی الگوهای ارائه شده آقایان «امری و کوگر» دوروش را برای اندازه گیری اعتباری ارائه کرده اند که هر دو روش تابعی از چندین متغیر مالی هستند. «جنتری و وایت فورد» میزان اعتبار شرکت را براساس شاخصی که بر اساس میزان جریان نقدی عملیاتی مورد انتظار ساخته شده بود اندازه گیری کردند. اشکال مدل آنها این بود که به جریان نقدی ناشی از فعالیت سرمایه گذاری در تامین مالی توجهی نمی‌کردند.

«ریچاردز و لافلین» برای اندازه گیری اعتبار شرکت‌ها مدلی را براساس چرخه تبدیل به وجه نقد ارائه کردند. چرخه تبدیل به وجه نقد نشان دهنده مدت زمانی است که سرمایه شرکت در فرایند تولید، فروش و وصول مطالبات در گیر است. هرچه این مدت کوتاه تر باشد، قدرت نقدینگی شرکت و میزان اعتبار آن بیشتر خواهد بود. همچنین «انگ و پاتل» با ارائه مدل چند متغیری برای اندازه گیری اعتبار شرکت‌های منتشر کننده اوراق قرضه، نشان دادند که نسبت جاری، نسبت بدهی، نسبت پوشش هزینه‌های ثابت و ثبات جریان نقدی از عوامل مهم تعیین کننده اعتبار شرکت محسوب می‌شوند. علاوه بر این «پین چس و مینگو» با استفاده از تکنیک‌های آماری چند متغیره توانستند میزان اعتبار شرکت‌ها را بر اساس وضعیت مالی آنها و شرایط قراردادهای تسهیلات تعیین کنند. «پین چس، سینگلتن و جهانخانی» نیز از طریق تجزیه و تحلیل تبعیضی نشان دادند که از بین یک عده متغیرهای موثر بر اعتبار شرکت‌ها نسبت پوشش هزینه ثابت مهمترین متغیر تعیین کننده توان پرداخت به موقع بدهی‌ها است.

شناسایی عوامل تعیین کننده درجه اعتبار شرکت‌ها

برای اندازه گیری توان پرداخت به موقع بدهی‌ها توجه به عوامل عدیده‌ای از جمله شرایط اقتصادی کشور، وضعیت صنعت و وضعیت نقدینگی، سود آوری و درجه ریسک شرکت ضروری است. هدف ارائه الگوی است که به وسیله آن بتوان با توجه به کلیه عوامل یاد شده درجه اعتبار شرکت‌ها را تعیین کرد.

الف) تجزیه و تحلیل وضعیت اقتصادی کشور

تجربه نشان داده است که درصد شرکت‌هایی که با بحران مالی و ورشکستگی مواجه می‌شوند در زمان‌های رکود اقتصادی بیشتر از زمان‌های رونق اقتصادی است. از این رو ضروری است که اعتبار دهندگان شناخت کافی از وضعیت اقتصادی موجود و وضعیت اقتصادی آینده داشته باشند.

به منظور شناخت وضعیت اقتصادی توجه به شاخص‌های اقتصادی زیر ضروری خواهد بود.

نرخ رشد GNP

نرخ رشد در آمد سرانه

نرخ بیکاری

میزان سرمایه گذاری به درآمد ملی

نرخ تورم

اصولاً وضعیت رونق اقتصادی به حالتی اطلاق می‌شود که در آن نرخ رشد تولید ناخالص ملی در سطح بالا و رو به افزایش باشد. در بین کشورهای در حال توسعه، کشورهایی موفق قلمداد می‌شوند که نرخ رشد آنها بیشتر از ۸ درصد باشد. کشورهای چین و هند از این دسته کشورها محسوب می‌شوند. البته روند نرخ رشد عامل مهمتری برای تشخیص وضعیت رونق یا رکود اقتصادی است. به عبارتی دیگر اگر نرخ رشد کشوری در سال جاری بیشتر از نرخ رشد آن در سال گذشته باشد، وضعیت اقتصادی آن کشور همراه با رونق تلقی می‌شود.

نرخ رشد درآمد سرانه

برای اینکه مشخص شود آیا وضعیت درآمدی آحاد مردم یک کشور بهبود یافته است باید نرخ رشد درآمد سرانه را اندازه گیری کرد. این نرخ رشد از تفاضل بین نرخ رشد درآمد ملی و نرخ رشد جمعیت حاصل می‌شود. بدیهی است درآمد سرانه موقعی رشد می‌یابد که نرخ رشد درآمد ملی بالاتر از نرخ رشد جمعیت باشد.

نرخ بیکاری

یکی از شاخص‌های مهم وضعیت اقتصادی، نرخ بیکاری در جامعه است. با آهسته شدن رشد اقتصادی معمولاً فرصت‌های ایجاد شغل کاهش و بر تعداد بیکاران افزوده خواهد شد. در کشورهایی که نرخ بیکاری بیشتر از ۱۰ درصد است، سطح درآمد ملی به دلیل عدم استفاده از امکانات در سطح پائین تری خواهد بود و شرایط اقتصادی نیز برای فعالیت شرکتها نامساعد می‌شود.

میزان سرمایه گذاری به درآمد ملی

میزان نرخ رشد اقتصادی بستگی به میزان سرمایه گذاری و نرخ بازده سرمایه گذاری در کشور دارد. کشورهایی که قادر بوده اند نرخ رشد بالای ۸ درصد به دست آورند و توانسته اند بیشتر از ۲۵ درصد درآمد ملی خود را هر ساله سرمایه گذاری مجدد کنند. میزان این سرمایه گذاری به نوبه خود تابعی است از میزان پس انداز داخلی و میزان سرمایه گذاری خارجی در کشور. سطح بالای درآمد سرانه، رایج بودن فرهنگ قناعت و وجود امنیت اقتصادی از عوامل مهم و موثر بر میزان سرمایه گذاری است.

نرخ تورم

نرخ تورم نشان دهنده درصد رشد سطح عمومی قیمت‌ها است. معمولاً شرایط تورمی موقعی به وجود می آید که نرخ رشد نقدینگی رو به فزونی گذارد. شرکت‌ها موقعی با بحران مالی مواجه می‌شوند که رکود اقتصادی با شرایط تورمی همراه باشد. به عبارت دیگر ضمن کند شدن نرخ رشد اقتصادی، نرخ تورم نیز افزایش یابد. در این صورت حاشیه سود شرکت‌ها رو به کاهش گذاشته و شرکت‌ها با مشکل سودآوری و نقدینگی مواجه می‌شوند.

ب. شناخت وضعیت صنعت

میزان سودآوری و نقدینگی یک شرکت، تا حدود زیادی بستگی به وضعیت صنعتی دارد که شرکت در آن قرار دارد. لذا عوامل زیر در اعتبار شرکت‌ها نقش بسزائی دارد.

چرخه حیات صنعت

صنایع نیز مانند موجودات دارای چرخه حیات می‌باشند و در آن مراحل مختلفی را طی می‌کنند. این مراحل شامل پیدایش (تولد)، رشد، بلوغ و نهایتاً افول می‌شود. در مراحل اولیه چرخه حیات، رشد صنعت سریع است و نرخ بازده سرمایه گذاری نیز بسیار بالا خواهد بود. از دیدگاه اعتباری باید دقت نمود که شرکت‌ها در مرحله افول نباشند.

میزان رشد صنعت

صنعتی رو به رشد تلقی می‌شود که نرخ رشد تولیدات آن بیشتر از نرخ رشد تولید ناخالص ملی باشد. بنابراین ضروری است که نرخ رشد صنعت در چند سال گذشته محاسبه و با نرخ رشد اولیه ناخالص ملی مقایسه شود. همچنین باید امکانات رشد بالقوه صنعت در چند سال آینده نیز پیش بینی شده و از ادامه روند رشد آن در آینده اطمینان حاصل نمود. در این رابطه ضروری است که جایگاه صنعت در ساختار صنعتی کشور و اهمیت آن در کل اقتصاد کشور مشخص گردد.

برای تعیین میزان صدمه پذیری صنعت باید درجه وابستگی آن به مواد و قطعات خارجی و میزان ارزش بری صنعت تعیین گردد.

رقابت پذیری

یکی از عوامل موثر بر حاشیه سود شرکت‌های فعال میزان رقابت پذیری در آن صنعت می‌باشد. هر چه تعداد شرکت‌های موجود با فعالیت‌های مشابه در صنعت بیشتر باشند و رقابت بین آنها شدیدتر باشد حاشیه سود شرکت‌ها پائین تر خواهد بود.

ج. شناخت شرکت

بررسی در خصوص شناخت شرکت دامنه گسترده و وسیعی دارد که در نهایت به این سوال که آیا شرکت در بازار با تولید این محصول یا ارائه این نوع خدمات می‌تواند فعالیت کند یا خیر؟ پاسخ خواهد داد.

چون بازار یک سیستم اجتماعی باز است با انواع محیط‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، رقابتی، تکنولوژیک و اقلیمی ارتباط دارد. این محیط‌ها به طرق مختلفی می‌توانند بر بازار و خرید تاثیر گذار باشد.

برای مطالعه فعالیت شرکت‌ها از یک مجموعه تکنیک‌ها برای جمع آوری اطلاعات درباره: محیطی که موسسه در آن به وجود می‌آید، مصرف کنندگانی که قصد خرید محصولات را دارند، رقباتی که می‌توانند بر موفقیت یا عدم آن تاثیر گذار باشند و پیش بینی روندهای آینده موسسه مدیریت می‌شود که با موثرترین وضع خود را با تغییرات آینده تطبیق دهد.

شناخت این	عوامل	قبل	از	هر
سرمایه گذاری لازم و ضروری است، زیرا هم این عوامل در تعیین نوع ویژگی محصول و هم در رفتار مصرف کننده در زمان خرید نقش دارد، علاوه بر این در انتخاب استراتژی‌ها و مدیریت شرکت نیز می‌تواند نقش به سزایی ایفا کند. شرکت‌هایی که مدیریت قوی، سودآوری مناسب، نسبت‌های بدهی معتدل و دارایی‌های جاری و نقد شونده متناسب با میزان تعهدات دارند از درجه اعتبار مطلوبی برخوردارند.				

مواردی که در شناخت شرکت‌ها باید به آن پرداخت:

تاریخچه فعالیت شرکت

شناخت فعالیت‌های تولیدی

وضعیت مدیریت شرکت

ترکیب سهامداران شرکت

استراتژی شرکت

سیستم اطلاعات مدیریت در زمینه امور پرسنلی، تولید

بهبود تکنولوژی

مزیت‌های رقابتی شرکت در زمینه کیفیت محصول و هزینه تولید

سیاست‌های فروش شرکت

روشهای خرید و تدارکات

د. تجزیه و تحلیل مالی و سود آوری شرکت

تجزیه و تحلیل مالی به ما نشان خواهد داد که آیا شرکت از باز دهی مناسب برخوردار است و با توجه به ساختار سرمایه آیا شرکت قادر خواهد بود که پرداخت اصل و فرع بدهی‌ها را از محل سودهای قبلی و آتی خود پرداخت نماید. تحلیلگران مالی با استفاده از روشهای کمی

توانسته اند مدل های ریاضی را طراحی کنند که با توجه به متغیرها و نسبت های یاد شده درجه اعتبار یک شرکت را تعیین نمایند. برای آشنائی با این روش های کمی می توان به مدل های درجه اعتباری ”برنگ و تیلور“ و یا مدل پیشنهادی ”استو“ مراجعه کرد. مواردی که در تجزیه و تحلیل مالی باید بررسی نمود عبارتند از:

تجزیه و تحلیل میزان سود آوری شرکت

تجزیه و تحلیل نقدینگی شرکت

تجزیه و تحلیل میزان ریسک نقدینگی و مالی شرکت

سوابق اعتباری شرکت

توان مالی شرکت

ارزیابی رشد بالقوه شرکت

تعیین فرصت های سرمایه گذاری و میزان رشد قابل استمرار

همانگونه که قبلا اشاره شد میزان رقابت یکی از عوامل موثر بر حاشیه سود است. اگر صنعت در حال رشد مصمم به تغییر تکنولوژی و مستلزم سرمایه گذاری سنگین باشد میزان ریسک آن نیز بیشتر خواهد بود.